

## برداشت های من از آیات یاد شده (این برداشت ها جنبه کلی دارند)

### متی ۵

- ۲۲: اما من به شما می‌گویم، هر که بر برادر خود خشم گیرد، سزاوار محاکمه است؛ و هر که به برادر خود راقا گوید، سزاوار محاکمه در حضور شورا است؛ و هر که به برادر خود احمق گوید، سزاوار آتش جهنم بود.
- ۲۳: پس اگر هنگام تقدیم هدیه‌ات بر مذبح، بهیاد آوردی که برادرت از تو چیزی به دل دارد،
- ۲۴: هدیه‌ات را بر مذبح و آگذار و نخست برو و با برادر خود آشتی کن و سپس بیا و هدیه‌ات را تقدیم نما.

در آیات ۲۲ تا ۲۴ نظر خدا را راجع به خشم می‌خوانیم. خدا خشم را سزاوار مرگ می‌داند چون بر خلاف خصوصیات خدا است. توجه داشته باشید که هر گاه دچار خشم نسبت به ایماندار می‌شوید، خدا را از خود دور می‌کنید (۲۴). به همین خاطر خدا می‌خواهد هر چه زودتر به مسئله رسیدگی کرده و آشتی و صلح صمیمانه را برقرار نماید. باید خود قدم بردارید (فرقی ندارد تفصیر با کیست) و فوراً به مسئله رسیدگی کنید. خدا می‌گوید قبل از آنکه روز به اتمام برسد به مسئله میان خود و ایماندار دیگر رسیدگی کنید (افسسیان ۴: ۲۶). آنچه اهمیت دارد این است که ایماندار در حضور خدا بماند و شیطان فرست را بدست نگیرد. بعضی فکر می‌کنند لازم است زمانی بگذرد و احساسات برافروخته آرام شود. ولی خدا چیزی در این رابطه نمی‌گوید. خود را فریب ندهید و از کلام خدا اطاعت کنید چون خیر شما را در نظر دارد. پس اگر ایماندار را خشمگین کردید یا او شما را خشمگین کرد، خدا انتظار دارد فوراً به مسئله رسیدگی کرده و صلح و آشتی را بجا آورید.

۲۵: با شاکی خود که تو را به محکمه می‌برد، تا هنوز با وی در راه هستی، صلح کن، مبادا تو را به قاضی سپارد و قاضی تو را تحویل نگهبان دهد و به زندان افتی.

در آیه ۲۵ راجع به رفتار ایماندار در برابر شاکی بی‌ایمان صحبت شده. در این مورد نیز باید رفتار همان گونه باشد، ولی نه بخاطر خارج شدن از حضور خدا، بلکه مطابق با قوانین اجتماع. خدا می‌خواهد ایماندار از همه لحاظ در امان باشد.

### متی ۵

۳۴: اما من به شما می‌گویم، هرگز سوگند مخورید، نه به آسمان، زیرا که تخت پادشاهی خداست،

ایماندار هیچوقت دروغ نمی‌گوید و چیزی را از کسی پنهان نمی‌کند چون در طبیعت بازیافته او دیگر جای ندارد. سوگند را کسی به زبان می‌آورد که دروغ گفتن را در خود و یا جامعه قبول کرده و می‌خواهد خلاف آن (یعنی حقیقت) را بازگو نماید. ولی قبول کردن دروغ (در خود و یا دیگری)، قبول کردن موجودیت آن است. نه تنها باید از دروغ گفتن خلاص شد، بلکه باید وجود آن را انکار کرده و هر حرفی را (تا زمانی که خلاف آن ثابت نشده) حقیقت شمرد. این انکار حقیقت نیست چون خدا طبیعت جدیدی را به ما عطا کرده که خالی از گناه است. وجود حقیقت مطلق خدا است که دروغ شیطان را از میان بر میدارد. دروغ را از فکر خود بیرون کنید، و اگر کسی به شما دروغ گفت و روی آن حساب کردید، با وجود آنکه ممکن است سدمه به شما وارد شود، خدا نخواهد گذاشت اثر آن دائمی باشد. ولی از شخص دروغ گو نترسید و از او دوری نکنید چون نیاز به کمک خداوند دارد. ضعفی را در خود پنهان کرده که می‌ترسد آن را آشکار کند. شیطان است که ترس را در او ایجاد کرده و تا زمانی که این حقیقت را برای او فاش نکنید کماکان در اسارت خواهد ماند. فراموش نکنید که شما نور و نمک این جهان هستید.

## متی ۱۲

۳۴: ای افعی زادگان، شما که بدسیرت هستید، چگونه می‌توانید سخن نیکو بگویید؟ زیرا زبان از آنچه دل از آن لبریز است، سخن می‌گوید.

عیسی مسیح راجع به روح القدس صحبت می‌کرد و به فریسیان رو کرده آنان را افعی زادگان نام برد چون امکان بار آوردن میوه خوب (سخن نیکو) را نداشتند. آنچه از درونشان بر می‌آمد زبان بد بود و تبدیل به میوه بد میشد. به همین خاطر نیز روح القدس را بعل زبول نام بردند.

۳۵: شخص نیک، از خزانه نیکوی دل خود نیکویی برمی‌آورد و شخص بد، از خزانه بد دل خود، بدی.

۳۶: اما به شما می‌گویم که مردم برای هر سخن پوچ که بر زبان برانند، در روز داوری حساب خواهند داد.

در آیه ۳۵ و ۳۶ می‌بینیم هر چه از زبان خارج میشود اثر خود را در زندگی می‌گذارد. آنچه نیکو است سهم نیکوی خود را دارد و هر چه بد است سهم بد خود را دارد. ضمناً توجه داشته باشید که زندگی بیرونی (زبان) است که در دست داوری قرار می‌گیرد. میوه است که در دست داوری است (آنچه ظاهر می‌شود)، و بدی یا خوبی آن بستگی به وضع دل دارد.

## لوقا ۱۷

۳: پس مراقب خود باشید. اگر برادرت گناه کند، او را توبیخ کن، و اگر توبه کرد، ببخشایش.

عیسی مسیح هشدار می‌دهد "مراقب خود باشید" (۳ الف). منظور جلب توجه ما به موضوع مهمی است. عیسی می‌خواهد شما نزد آنکه خلافی را به شما کرده بروید و مسئله میانتان را هر چه زودتر حل کنید. دنیا می‌گوید مقصر باید عذر خواهی کند، ولی عیسی می‌گوید شما قدم بردارید. چه بهتر که هر دو قدم برداشته و میان راه یکدیگر را ملاقات کنید. منظور این است که نباید در انتظار شخص دیگر ماند و مسئله را تا غروب حل نشده گذاشت (افسیان ۴: ۲۶). خشم/کدورت میان فرزندان خدا کار شیطان است و راه مبارزه با آن را در این آیه می‌خوانیم. توجه داشته باشید خدا گفته تا زمانی که به مسئله رسیدگی نشده و صلح و آشتی ایجاد نشده، هر دو از حضور خدا خارج خواهند ماند (متی ۵: ۲۳ و ۲۴). دوری از خدا بسیار خطرناک است و هر وقت مسئله میان مسیحیان ایجاد می‌گردد چنین وضعی ایجاد می‌شود. منظور از "توبیخ" تحمت زدن و مقصر شمردن نیست؛ "زیرا خدا پسر را به جهان نفرستاد تا جهانیان را محکوم کند، بلکه فرستاد تا به واسطه او نجات یابند" (یوحنا ۳: ۱۷). منظور آن است که در فیض خدا (محبت و رحمت) جویای دلیل (اساس) مسئله بشویم و آن را از طریق کلام خدا حل کنیم. بخشش دو جنبه دارد. اول بیرون راندن احساس بدی است که نسبت به دیگری داریم و دوم رضایت از آنکه مسئله مطابق با کلام خدا بررسی و حل شده و حکمت لازم دریافت گردیده است. ابتدا باید خشم/کدورت را از دل بیرون کرد. با وجود خشم/کدورت، روح القدس نمی‌تواند کار پاک سازی خود را انجام رساند. خشم/کدورت عکس‌العملی است در مقابل حق کشی. شخصی با رفتار یا گفتار خود ارزش ما را کم کرده و حق ما آن نبوده. اما این استدلال زمانی صحیح است که حق و حقوق ما در دست خودمان بوده باشد. ولی فرزندان خدا زندگیشان مال خودشان نیست. خدا صاحب زندگی آنها است و حقشان را تنها خدا می‌تواند بدهد. درک چنین حقیقتی پایه لازم را برای از میان برداشتن خشم/کدورت نسبت به دیگران فراهم می‌سازد. سپس خود مسئله را باید پیگیری کرد و دلیل آن را در کلام خدا جویا شد. کلام خدا برای هر مسئله ای راه نجات را فراهم ساخته. در خاتمه، همه کسانی که در مسئله شرکت دارند باید رضایت خود را حاصل کنند که خواست خدا از طریق مسئله انجام شده و حکمت لازم نسیب همه شده است. آنوقت بخشش مسیحی کاملاً میسر می‌گردد.

## رومیان ۱۲

۱۵: با کسانی که شادمانند، شادی کنید، و با کسانی که گریانند، بگریید.

آیه ۱۵ اصل مهمی را در مسیح عنوان می کند. مسیح با آنانی که شاد بودند شادی می کرد و با آنانی که گریان بودند گریه می کرد. اما فرقی که در میان بود، این است که مسیح آنچه باعث چنین احساسات شده بود را نیز افشا می کرد و راه نجات از آن را نشان می داد. منظور تنها همدردی نیست (این را دنیا بخوبی انجام میدهد). باید چشم دل آنکه سدمه دیده را به آنچه باعث آن شده باز نمود، تا خودش از خدا بخواهد آنرا برداشته و او را آزاد نماید. روح القدس باید در دل او کار کند و وضعی که عالیت دست شیطان شده را بردارد. و این با همدردی با او و کشف حقیقت آنچه باعث ناراحتی او شده امکان پذیر خواهد بود. همدردی باید با نیت به آنکه روح القدس هدایت خواهد کرد تا مسئله از دیدگاه کلام خدا برایش باز شود و زمینه برای انجام کار روح القدس فراهم گردد بوده باشد. این همدردی مسیحی است. از همه فراز و نشیب های زندگی باید استفاده کرد تا ملکوت خدا را جایگزین آنچه از او نیست کرد. شادی با آنانی که شادند نیز فرصتی است برای پیشبرد ملکوت خدا. ممکن است شادی شخصی بخاطر برکت بدست آمده نباشد. شما با او شادی می کنید تا بتوانید چشم دل او را به خدائی که باعث شادی او شده باز کنید.

۱۷: به هیچکس به سزای بدی، بدی نکنید. دقت کنید که آنچه را در نظر همگان پسندیده است، به جای آورید.

آیه ۱۷ می گوید رفتار ما در برابر با شرارت چگونه باید باشد. در واقع آیات ۱۴ تا ۲۱ همه مربوط به طریق مقابله ایماندار با شرارت است (به کتاب "چگونه بر شرارت غلبه کنیم" که ترجمه کرده ام رجوع کنید). هر وقت با بدی روبرو می شوید، بدانید کسی احتیاج به کمک خدا دارد. خدا می خواهد شما نور و نمک این جهان باشید و اینگونه پیش آمدها امکان اجرای خواست خدا را در زندگی شما فراهم می سازند. باید ابتدا با خشم/کدورتی که در دل خود ایجاد شده مقابله کنید و آن را از میان بردارید تا توانائی مقابله با خشم/کدورتی که در دل ایماندار دیگر ایجاد شده بدست آورید. مقابله با خشم/کدورت تنها با درک حقیقت حاکمیت خدا بر همه چیز بدست می آید. کلام خدا در اول قرنیتان ۶: ۱۹ می فرماید که جان ما دیگر مال خودمان نیست بلکه با قیمت خون عیسی مسیح خریداری شده. ما ایمانداران تنها بخاطر خواست خدا زنده ایم و زندگی می کنیم. تنها در صورتی می توانید مانند عیسی مسیح راه جلجتا را پیموده و خم به ابرو نیاورید، که دست از زندگی خود برداشته و جان را فدای مسیح نمائید. منظور این نیست که خود را به گونه ای حلاک سازید. منظور این است که در دل نسبت به این دنیا مرده و در مسیح حیات جدید را دردست گیرید. باید بتوانید از خود بگذرید تا توانائی مقابله با خشم/کدورتی که حق کشی و شرارت این دنیا ایجاد می کنند را بدست آورید.

۲۱: مغلوب بدی مشو، بلکه بدی را با نیکویی مغلوب ساز.

آیه ۲۱ صحبت از جنگی که ایماندار در آن قرار گرفته می کند. جنگی است روحانی میان قوای نیک که از خدا است، با قوای شریر که از شیطان می باشد. عیسی مسیح در این جنگ پیروزی را بدست آورد، و ما ایمانداران نیز باید با شرکت در نبرد های خود، آن پیروزی ها را نسیم خود نمائیم. ابزار جنگی ما را خدا خود نشان داده (افسیان ۶: ۱۰ تا ۲۰). عیسی نشان داد که با استفاده از این ابزار می توان شریر را مغلوب ساخت، ولی به شرط آنکه طبق موازین خدا از آن ها استفاده شود. روح القدس است که ابزار جنگی خداوند را بارور کرده و میوه آن را عمل می آورد. ابتدا لازم است با این ابزار و طریق استفاده آنها آشنا شد. مانند سربازی است که با ابزار جنگی خود تمرین می کند تا در استفاده از آنها ماهر گردد. بهتر است با برادران و خواهران کلیسای خود تمرین کنید و با طریقی که زمینه را برای روح القدس فراهم می سازد آشنا شوید. بطوری که قبلاً گفته شد، جنگی است روحانی و نه عقلانی، و نباید تبدیل به مناظره شود. باید زمینه برای روح القدس فراهم شود تا شریر مغلوب گردد. خدا می گوید شما با نیکویی می توانید شرارت را مغلوب سازید. در این راه است که روح القدس کار عظیم خود را انجام می رساند. ولی باید در تیکوئی پایداری نمود و مدام جواب بدی را با نیکوئی داد. شریر بر شرارت خود پاداری خواهد

کرد تا شما را از پای در آورد. توجه داشته باشید که پایداری شما بیش از او است. در دعا از خدا بخواهید شما را یاری کند تا بخوبی در دنیا عمل کرده و جلال را به خدا برسانید. هیچوقت بدون آنکه دعا کرده باشید وارد صحنه عمل نشوید. اگر از عملکرد خود راضی نشدید، ضعف های خود را بررسی کنید تا در نوبت بعد رضایت را حاصل کنید. پیروزی مال شما است.

### رومیان ۱۳

۱۳: بیایید آنگونه رفتار کنیم که شایسته کسانی است که در روشنایی روز به سر می‌برند. پس اوقات خود را در بزمها و میگساری و هرزگی و عیاشی و جدال و حسد سپری نکنیم،

قسمت عمده این آیه مربوط به چگونگی صرف اوقات ایماندار است. ایماندار باید قبول کند که زندگی او دیگر مال خودش نیست بلکه مال خدا است. وقت او نیز مال خدا است و خدا از او خواسته نور و نمک این جهان باشد. اگر وقت خدا را صرف می‌خواری و خوشگذرانی کنی و حاصلی برای خدا بجا نگذارد چگونه می‌خواهد رضایت خدا را جلب کند؟ البته منظور این نیست که خوش گذرانی کار بدی است و باید از آن دست بکشیم. عیسی مسیح نیز خوشگذرانی می‌کرد، ولی با نیت اجرای خواست خدا. منظور این است که اگر حاصل روحانی بجای نمی‌گذارد، وقت خود را صرف کار دیگری نمائیم. البته ما ایمانداران نیز احتیاج به خوش گذرانی داریم ولی این آیه منظورش می‌گساری و عیاشی است که نمی‌تواند حاصل خوبی را بار آورد.

### رومیان ۱۴

۱۰: پس تو چرا برادر خود را محکوم می‌کنی؟ و تو چرا به برادر خود به دیده تحقیر می‌نگری؟ زیرا همه ما در برابر مسند داوری خدا حاضر خواهیم شد.  
۱۱: چرا که نوشته شده است: «خداوند می‌گوید: به حیات خودم سوگند که هر زانویی در برابر من خم خواهد شد و هر زبانی به خدا اقرار خواهد کرد.»

در آیات ۱۰ تا ۱۳ پولس راجع به قضاوت از یکدیگر صحبت می‌کند. مسئله اینجا است که عمل پاکسازی خدا از طریق کلام و روح القدس برای آن که قضاوت می‌کند روشن نشده است. او نمی‌داند که هر ایمانداری را خدا پاکسازی می‌کند و تنها خدا است که قضاوت کارش را در دست دارد. باید به او آموخت که در برابر اشکال یا گناهی که ایماندار دیگری مرتکب شده، خود مسئولیتی را بعنوان برادر و یا خواهر روحانی او دارد. منظور از شستن پای یکدیگر همین است. موضوع مهمی است که باید در کلیسا عنوان شود و طریق اجرای آن نیز آموزش داده شود. از دخالت در زندگی یکدیگر بیم نداشته باشید و نه تنها خود مجری کلام خدا باشید بلکه اجرای آنرا به دیگران نیز آموزش دهید. ابتدای هر کاری مشکل است، ولی با یاری روح القدس خواهید توانست روحانیت خدا را وارد زندگی برادران و خواهران خود کنید.

۱۲: پس هر یک از ما حساب خود را به خدا باز خواهد داد.

آیه ۱۲ هوشداری است به آن که با قضاوت خود به ایمانداری سدمه وارد می‌کند. چنین مسائلی در سال های اولیه کلیسای ایران رواج زیادی داشت، چون جنبه عملی کلام خدا هنوز وارد کلیسا نشده بود. ولی با آغاز فصل جدیدی در زندگی کلیسای ایران که اعتقاد به اجرای یکایک احکام خدا دارد، اینگونه مسائل کمتر پیش خواهند آمد، و هر یک از ما حساب بهتری را از خود به خدا خواهیم داد.

۱۳: بنابراین، بیایید از این پس یکدیگر را محکوم نکنیم. به جای آن، تصمیم بگیرید که هیچ سنگ لغزش یا مانعی در راه برادر خود نگذارید.

آیه ۱۳ صحبت از ایراد و خورده گیری از یکدیگر می کند. وقتی مسائل و مشکلات میان اعضای کلیسا به زبان آورده نشود (هر اندازه کوچک و ناچیز)، یقیناً دشمن از آن استفاده خواهد کرد تا کلیسا را بهم بزند. کشیش و مشایخ کلیسا باید اعضاء را برای صحبت از خصوصیات شخصی خود، ضعف هائی که بنظر خود می آید، و نهایتاً مشکلاتی که با هم دارند تشویق کنند. این قدم مهم و اساسی برای ایجاد یگانگی روح در بدن عیسی است. نگذارید عیسی صاحب بدن ضعیف و مریز حالی باشد. البته خدا خواهان هرج و مرج در کلیسا نیست. ولی نهایتاً موضوع را باید بتوان از دل خارج کرده و به زبان آورد. قدم گذاردن در صحنه جنگ با شیطان غیرت می خواهد. اگر آنرا ندارید، وقت خدا، خود، و دیگران را تلف نکنید و گله را به کسی که غیرت انجام آن را دارد بسپارید (۱۲).

## فیلیپیان ۲

۳: هیچ کاری را از سر جاه طلبی یا تکبر نکنید، بلکه با فروتنی دیگران را از خود بهتر بدانید.  
۴: هیچ یک از شما تنها به فکر خود نباشد، بلکه به دیگران نیز بیندیشد.

در آیات ۳ و ۴ پولوس اساس وحدت و یگانگی روح را میان اعضاء کلیسا عنوان کرده. آنچه بیان شده واضح و قابل قبول است، ولی مشکل عمل کردن به آن است. چنین خصوصیتی را تنها با آموزش و تمرین می توان بدست آورد. در آغاز مشکلات زیادی به میان خواهند آمد چون کاری نیست که همه با آن آشنا بوده باشند. ترس و خجالت و سکوت اعضاء از مشکلاتی است که آموزگار با آن روبرو خواهد شد. اما کاری است که باید انجام گیرد و روح القدس در وقت کافی میوه آن را بار خواهد آورد. روح القدس است که "یگانگی روح" را ایجاد می کند، و در نتیجه باید از کلام استفاده کرد. اعضاء را به گروه های مختلف تقسیم کنید و دروس مختلفی را که شامل آیات مربوطه می باشند را به گروه ها بدهید و بخواهید با یکدیگر اجرا کنند. اساس مقابله با جاه طلبی و تکبر، حاکمیت خدا در زندگی ایماندار است. اگر مفهوم آیات مربوطه به درستی روشن نشده باشند، روح القدس نمی تواند از آن استفاده کرده و سایر خصوصیات مسیح را بر آن استوار نماید. همچنین باید طریق رفتاری که خلاف جاه طلبی و تکبر است را نیز آموخت. هر گروهی نقش مختلفی را عهده گیرد و طریق رفتار خدا را در شرایط مختلف بیاموزند. مسئله دیگر خود خواهی است. اساس مبارزه با خود خواهی، استفاده از آیاتی است که نیازی را برای شخص دیگر برآورده می کنند. مفهوم آن را آموزش دهید و گروهی با گروه دیگر تمرین کنند. سپس باید آن را در صحنه واقعی (در بیمارستان ها، زندان، کافه، فروشگاه، و هر جای دیگری که می توان با راحتی صحبت کرد) اجرا نمود. در چنین شرایطی است که روح القدس گوینده و شنونده کلام را برکت می دهد و "یگانگی روح" را ایجاد می سازد. راه مبارزه با مسائل رایج و معمول در کلیسا همین است. شنیدن کلام کافی نیست و باید همراه با عمل باشد تا میوه آورد.

## فیلیپیان ۳

۱۵: همه ما که بالغیم، باید چنین بیندیشیم؛ و اگر درباره موضوعی به گونه ای دیگر می اندیشید، این را نیز خدا بر شما آشکار خواهد فرمود.

پولوس در آیه ۱۵ می گوید "همه ما" باید در مفهوم کلام و استفاده از آن آموزش یابیم. هر ایماندار باید فرصت آموزش خود را داشته باشد، و اگر موردی را بطور کامل در دست ندارد، خدا در وقت خود او را آرموده خواهد کرد. ولی منظور این است که هر یک از اعضاء کلیسا در مفهوم و کاربرد کلام آموزش یابند. آموزش را تنها در مفهوم خلاصه نکنید، بلکه برنامه اجرای آن را نیز در اماکن و موقعیت های مختلف فراهم سازید. کلام خدا در عمل زنده می شود (کلمه جسم پوشید) و روح القدس در عمل کار می کند و میوه آن را می آورد. ابتدا برای اعضاء مشکل خواهد بود، ولی با کوشش و بردباری، مرحله مشکل سپری خواهد شد. دوجرخه سواری و اتوموبیل رانی را مثال

بزنید و مشکلات سر راه هر یک را آشکار کنید. منظور این است که برای زندگی روزانه خود هر یک مجبوریم مشکلات سر راه را تحمل کنیم تا کار آزموده شویم. حال چه بهتر که کوشش خود را در طریق زندگی مسیحی بکار بیاندازیم و پدر را خوشنود ساخته و خود برکت از آن بگیریم.

۱۶: مهم این است که به هر مرحله‌ای که رسیده‌ایم، مطابق آن رفتار کنیم.

در آیه ۱۶ می بینیم لازم است مطابق با آنچه از کلام دریافت کرده ایم، رفتار نیز بنمائیم. باید کلیسا برنامه اجرای کلام خدا را طوری طرح ریزی کند که هر ایماندار بستگی به برداشتی که از کلام دارد، از آن استفاده نماید. فرض بر آن نداشته باشید که اعضاء کلیسا از کلام استفاده خواهند کرد و نیاز به تعلیم و راهنمایی ندارند. منظور خدا در این آیه نشان دادن اهمیت مرحله عملی کلام در کلیسا است. شاید خود ایماندار نقشه عملی آن را بتواند طرح کند. مهم راهنمایی و جوابگویی اعضاء به کلیسا است. با ایجاد چنین برنامه‌ها است که کلیسا شکل بدن عیسی را می‌یابد، و هر عضو هدایای خود را شناخته و جای خود را بدن عیسی پیدا می‌کند. رابطه مستحکمی است که روح القدس ایجاد می‌کند و از برداشت ذهنی خارج شده و جسم و روح به آن می‌بخشد. بدن عیسی برای خداوند ارزش بسیاری دارد و از این طریق است که کارهای بزرگتری را به ارمغان خواهد آورد (یوحنا ۱۴: ۱۲). شاید لازم است با کشیش خود مشورت کنید و روش عملی اجرای کلام را بدست آورید. نگذارید کلامی که از پدر آموخته‌اید در شما میوه نیآورد.

#### افسیان ۴

۱: پس من که به‌خاطر خداوند در بندم، از شما تمنا دارم به‌شایستگی دعوتی که از شما به‌عمل آمده است، رفتار کنید،

در آیه ۱ می بینیم که پولس "بخاطر خدا" در زندان بود. و چون با خدا بود، حتی در زندان توانایی نوشتن کلام خدا را داشت. اصل مطلب این است که خدا با او بود و همان برای اجرای مقاسد خدا در زندگی او کافی بود. وقتی ایماندار خود را در مسئله و یا مشکلی می‌بیند، باید حضور خدا را در همان موقع تصدیق کند و انتظار انجام خواست خدا را بکند. خدا خواست خود را برایش معلوم خواهد نمود. بر ما است که حاکمیت خدا را بر زندگی خود تصدیق کرده و در همه شرایط آن را اعلام نمائیم. به این طریق هر چه بر ما آید، خدا صاحب آن می‌شود و برای خیریت ما بکار خواهد آورد (رومیان ۸: ۲۸). "دعوتی" که کلام صحبت از آن می‌کند همان دست شستن از زندگی خود و سپردن همه چیز به خدا است. پذیرش و اعتراف به حاکمیت خدا در زندگی ایماندار، اساس خواست خدا را در زندگی او فراهم می‌سازد. هیچوقت از اعتراف به حاکمیت خدا بر زندگی خود کوتاهی نکنید چون خود خواهی در کمین نشسته و از اولین فرصت استفاده خواهد کرد. اگر پولس با وجود آنکه در زندان بود و تمام شرایط سخت را متحمل بود، توانست به شایستگی دعوتی که از او به‌عمل آمده بود رفتار کند، شما نیز می‌توانید در همه گونه شرایط سخت "به‌شایستگی دعوتی که از شما به‌عمل آمده است، رفتار کنید". ولی بطوری که دیده ایم، این "رفتار" احتیاج به نوع زندگی دارد که صاحب آن تنها خدا است و برای خدا ساخته شده باشد. زندگی مسیحی شامل یک سری قوانین تو خالی نیست بلکه روح القدس بنیاد و بناکننده آن است و آن را مطابق با کلام خود هدایت می‌کند. او است که به کلام خدا جان می‌دهد و دنیا را مال خود می‌کند.

۲: در کمال فروتنی و ملایمت؛ و با بردباری و محبت یکدیگر را تحمل کنید.

در آیه ۲ این "رفتار" مسیحی قدری "باز/تفسیر" (لوقا ۲۴: ۳۲) داده شده است. فروتنی و ملایمت، بردباری و محبت خصوصیات لازم روابط میان یک ایماندار با ایماندار دیگر است. البته هر یک از این خصوصیات جنبه درونی خود را دارد، ولی جنبه ظاهری آن‌ها است (که نتیجه درونی آن است) که در این آیه مورد بحث قرار گرفته. هر یک از این خصوصیات را باید برای ایماندار روشن کرد. فروتنی مخالف با تکبر و گستاخی است (آنچه

در دنیا و بعضی آموزش های اشتباه مسیحی رواج دارد). بسیاری آن را عیب می دانند و نشانه ضعف ایماندار می خوانند. ولی کلام خدا آن را لازم و نیکو خوانده و همان برای ما کافی است. فروتنی فیض خدا را شامل زندگی ما می کند، و در وقت خود میوه می آورد. غرور و گستاخی از آنجا سر چشمه می گیرد که کار خدا را نتیجه زور و قدرت خود بدانیم. شیطان اجازه چنین برداشتی را بخود داد و همه می دانند نتیجه آن چه بود. زبان ما گویای آن روحی که در کار است خواهد بود. اگر بخاطر فیض خدا نبود، ما چون سایرین دچار منجلاب این دنیا می شدیم. ملایمت خلاف عیب جویی و انتقاد است. خدا با فرزندانش با ملایمت رفتار می کند، چون می خواهد عیب و نقصی که دارند در وقت خود برایشان آشکار شود و از روح القدس بخواهند آن ها را از میان بردارد. ملایمت نادیده گرفتن عیب و نقص ها نیست. خدا جان فرزندش را برای از میان بردن گناه (عیب و نقص ها) فدا کرد. ملایمت اجازه به عیب و نقص دیگران می دهد تا با "فروتنی" خواست خدا را اعلام نمایند. روح القدس از ملایمت و فروتنی سایر ایمانداران استفاده می کند تا روح توبه را ایجاد کند و نیکویی را جایگزین اشکال نماید. بردباری خاصیتی است که از محبت خدا سرچشمه گرفته و امکان "تحمل" ضعف دیگران را می دهد. البته محبت زمینه همه خصوصیات نام برده می باشد. محبت مسیحی (دادن وقت و اهمیت و پول و مال و هر چه شخص دیگر لازم دارد) امکان تحمل آزار و اذیت و توهینی که دیگر ایمانداران می کنند را می دهد.

۳: به سعی تمام بکوشید تا آن یگانگی را که از روح است، بهمدد رشته صلح حفظ کنید.

آیه ۳ در رابطه با کلیسا و مبارزه با حملات دشمن است. رهبری کلیسا را خداوند به کشیشان و مشایخ داده تا اهداف خدا را در جامعه بعمل آورند. ولی دشمن نیز بی کار نخواهد نشست و خدا در این آیه نقشه دشمن را نشان داده. نقشه دشمن ایجاد موانع و سد هائی در برابر نقشه های کلیسا است تا اعضاء را دلسرد و نا امید کند و نهایتاً به جان هم بیافتند. طریق مبارزه با چنین صلاحی، اجرای کلام خدا است (۳). وقتی دست از جنگ می کشید، بی درنگ به استراحت پناه نبرید. گرد و غبار جنگ پا های شما را پوشانده و باید پاک سازی شود. صلح و آشتی و رفاقت برادرانه باید جایگزین کدورت های ناشی از جنگ گردد و یگانگی روح قدرت و توانائی خود را بدست گیرد. مگذارید کوچکترین مسئله یا مشکلی بدون رسیدگی به آن بماند. به یاد داشته باشید که خمیر مایه دشمن کار خدا را خراب می کند.

۱۵: بلکه با بیان محبت آمیز حقیقت، از هر حیث تا به حد او که سر است، یعنی مسیح، رشد خواهیم کرد.

آیه ۱۵ حقیقت مهمی را افشا نموده. بگذارید این آیه را به این شکل خلاصه کنم ("..... با بیان محبت آمیز حقیقت، از هر حیث رشد خواهیم کرد"). بیان حقیقت (کلام خدا) باعث می شود رابطه آن با محیط و موقعیتی که در آن هستیم برای خودمان نیز روشن گردد و به این شکل با ابعاد دیگر آن آشنا شویم و "از هر حیث رشد" کنیم.

۲۵: پس، از دروغ روی برتافته، هر یک با همسایه خود، سخن به راستی گوئید، چرا که ما همه، اعضای یکدیگریم.

دروغ گفتن مخفی کردن حقیقت است و چون حقیقت از آن خدا است، نتیجتاً خدا را مخفی کرده و دشمن را نمایان می سازد (و خواست های او را انجام میرساند). بعضی ایمانداران تصور دارند با مخفی کردن ضعف هایشان (و گناهانشان) خود را در امان نگاه داشته اند. ولی کلام خدا می گوید سر انجام آن موت است (امثال ۱۴: ۱۲). دشمن ترس را در برابر اعتراف حقیقت ایجاد می کند چون میدانند اگر حقیقت آشکار شود روح القدس از آن استفاده خواهد کرد و در ایماندار میوه نیکو به ارمغان خواهد آورد، و نمی خواهد چنین شود. منظور آن نیست که ایماندار حتماً باید ضعف و گناهانش را به همه بگوید، ولی کشیش و یا شیخ کلیسا از جمله کسانی می باشند که برای چنین خدمتی خوانده شده اند. با اعتراف به همه ضعف ها و گناهان، خود را از بند شیطان آزاد می کنید و در نتیجه روح القدس توانائی انجام کارش را خواهد داشت.

۲۶: «هنگامی که خشمگین می‌شوید، گناه نکنید»: مگذارید روزتان در خشم به‌سر رسد،

خشم احساسی است که خدا به انسان عطا کرده و بسیار مفید است. اما وقتی بگونه گناه آلود مصرف می‌شود، نیکی خود را از دست می‌دهد. خشم احساسی است مخرب و برای از میان بردن بکار برده می‌شود. فرقی میان خشم نیک و خشم گناه آلود وجود دارد. نتیجتاً ابتدا لازم است کنترل خشم/کدورت خود را در موقعیت‌های گوناگون در دست داشت تا بتوان طریق نیکوی استفاده از آن را بکار برد. خدا می‌خواهد از خشم خود برای مقابله با گناهی که خود مرتکب آن شده ایم استفاده کنیم. از این راه است که روح توبه را بدست می‌آوریم و می‌توانیم کلام خدا را اجرا کنیم. منظور خدا این است که بی‌تفاوتی ما را نسبت به گناه از میان بردارد. خدا می‌خواهد فرزندانش را در شباهت با عیسی مسیح در آورد و بی‌تفاوتی مانع راه است. در ادامه آیه ۲۶ می‌خوانیم که مسئله باید ترجیحاً همان روز حل شود چون در غیر این صورت شیطان از زمان تعویق استفاده خواهد کرد و ایماندار را دچار وسوسه بیشتری خواهد نمود. منظور این است که خدا می‌خواهد به اشکالی که میان شما و شخص دیگر ایجاد شده سریعاً رسیدگی کنید چون با وجود خشم/کدورت در دل، خدا را از خود دور کرده و عالت دست شیطان شده اید(متی ۵: ۲۳ و ۲۴).

۲۷: و ابلیس را مجال ندهید.

آیه ۲۷ هشدار می‌دهد که توجه داشته باشیم زندگی خود را مطابق با کلام خدا نگاه بداریم. شیطان همیشه در کمین است تا از کوچکترین فرصت استفاده کند و ایماندار را از حضور خدا خارج کند. تنها با شناخت طریق عمل کلام خدا و تمرین دائم آن است که فرصت از دست شیطان خارج می‌گردد. به دانستن کلام رضایت ندهید و روزانه در حال عمل کردن آن باشید.

۲۹: دهانتان به هیچ سخن بد گشوده نشود، بلکه گفتارتان به تمامی برای بنای دیگران به‌کار آید و نیازی را برآورده، شنوندگان را فیض رساند.

منظور از سخن بد در آیه ۲۹ تنها فهاشی نیست، بلکه شامل هرچه ارزش شخصی را پائین آورد میشود. عیسی مسیح نیامد کسی را محکوم کند بلکه یاری کند تا از ضعف‌هایش خلاص شود و به آنچه منظور و مقصود خدا است نائل گردد. عیسی از ما نیز خواسته یکدیگر را در این راه یاری کنیم، بگونه‌ای که گفتارمان "به تمامی" برای بنای یکدیگر بکار رود و "نیازی را برآورده" سازد.

۳۰: روح قدوس خدا را که بدان برای روز رهایی مهر شده‌اید، غمگین مسازید.

تنها جایی که در کلام خدا صحبت از غمگین ساختن روح القدس شده در آیه ۳۰ است. نه تنها روح القدس از رفتاری که مخالف با کلام خدا است غمگین میشود، بلکه دشمن نیز خوشحال میشود. آنچه روح خدا را غمگین می‌کند فرزندن خدا است که مطابق با آنچه از کلام آموخته اند رفتار نمی‌کنند. در رفتار (اجرای کلام خدا) است که روح القدس کار کرده و میوه می‌آورد. تنها صحبت از کلام کافی نیست، بلکه باید طریق اجرای آن را نیز نشان داد. مهربی که کلام از آن صحبت می‌کند، دانش و اجرای کلام است که بطور کامل شامل زندگی ایماندار شده و مالکیت خدا را ثابت نموده است.



۳۱: هر گونه تلخی، خشم، عصبانیت، فریاد، ناسزاگویی و هر نوع بدخواهی را از خود دور کنید.

خصوصیاتی که در آیه ۳۱ نام برده شده همه زیر بنای خود خواهی را دارند. شخص بی ایمانی خواست خود را بدست نمی آورد و در نتیجه روح تلخ بر او وارد می شود، و در حالی که خشمگین می شود در نهایت عصبانیت فریاد کنان ناسزاگویی می کند و برای کسی که مانع خواست او شده همه نوع بد خواهی را می کند. مگذارید مسئله چنین شخصی بدون دخالت عیسی مسیح و یاری روح القدس از شما بگذرد. عیسی مسیح جانش را برای چنین شخصی داد. شما می توانید او را با عیسی مسیح و محبت بی کرانش آشنا کنید و در صورت امکان او را شاگرد عیسی نیز بکنید.

۳۲: با یکدیگر مهربان و دلسوز باشید و همان گونه که خدا شما را در مسیح بخشوده است، شما نیز یکدیگر را ببخشایید.

در آیات ۳۱ و ۳۲ صفات نیکویی که باید جایگزین صفات قدیم شوند نام برده شده اند. همه با بخشش کم و بیش آشنائی دارند ولی نکاتی در خصوص بخشش مسیحی باید اضافه کنم (۳۲). عیسی مسیح تنها گناهان ما را نبخشید بلکه ما را با کلامش پاک نیز نمود. عیسی در متی ۱۲: ۵۰ میگوید "هر که خواست پدر مرا که در آسمان است به جای آورد، برادر و خواهر و مادر من است". وقتی ما شاهد گناه برادر و یا خواهری می شویم، خواست خدا این نیست که دلخور شده و از او دوری کنیم. این را دشمن از ما می خواهد. خدا از ما می خواهد با مهربانی جویای دلیل آن بشویم و با او وقت صرف کرده او را تشویق به راهی که کلام خدا نشان داده کنیم. او نیاز دارد به او اهمیت بدهیم و به او مهربانی کنیم و محبت مسیح را به او نشان دهیم. ولی تنها زمانی میتوانیم راه نیک را به او نشان دهیم که خود در آن راه نیک قرار گرفته باشیم. و در اینجا است که بخشش در میان می آید. نخست لازم است هر گونه خشم/کدورت نسبت به گناهی که بما شده را از دل خود بیرون کنیم. اما بخشش مسیحی تنها رفع احساس خشم/کدورت نسبت به برادر یا خواهر نیست، بلکه شامل پیگیری موضوع و کمک برای رفع اشکال نیز می باشد. این همان کاری است که مسیح در خصوص ما کرد و از ما می خواهد در برابر دیگران انجام دهیم.

## افسیان ۵

۱۸: مست شراب مشوید، که شما را به هرزگی می کشاند؛ بلکه از روح پر شوید.

آیه ۱۸ شراب را در مقابل روح القدس قرار داده. این دو هر یک می توانند بر ایماندار نفوذ داشته باشند (منظور تنها شراب نیست بلکه شامل مواد مخدر نیز میشود). امکان دارد ایمانداری تحت تسلط شراب و یا مواد مخدر قرار بگیرد (معتاد به آن شود) و کلام میگوید او را به "هرزگی می کشاند". اثر منفی بر تمام جوانب زندگی او میگذارد. زندگی زناشویی او لطمه میخورد. سپس به دوستانش پناه می آورد و مشروب خواری می کند. روز بعد کسالت او تأثیر منفی بر شغل او میگذارد. در نتیجه مشکل مالی پیدا می کند و شما دنباله آنرا می توانید حدس بزنید. چاره خدا چیست؟ او را یاری کنیم تا وسعت تأثیر منفی که در زندگی او گذاشته را بیابد. مشکل تنها با دوری از شراب (یا مواد مخدر) حل نمی شود. "پری روح القدس" به آن معنی است که روابط زناشویی، خانوادگی، اجتماعی، شغلی، و وضع جسمانی او باید با معیار کلام خدا سنجیده شده و کلام جایگزین آن شود و به این گونه است که از روح القدس پُر میشود. باید نشانه روح القدس در تمام جوانب زندگی او ایجاد شود تا جای مشروب (مخدر) در همه جا گرفته شود. هر گونه کم و کثری در این رابطه نهایتاً با شکست روبرو خواهد شد.

۱۹: با مزامیر، سرودها و نغمه‌هایی که از روح است با یکدیگر گفتگو کنید و از صمیم دل برای خداوند بسرایید و ترنم نمایید.

آیه ۱۹ میگوید بجای هرزه گوئی (از شراب یا مواد مخدر) و خشم/کدورت و فهاشی (نسبت به گناه)، یکدیگر را با وعده های خدا و حکمت از مزامیر تشویق نمائیم. کلام خدا می گوید "از صمیم دل برای خداوند بسرایید و ترنم نمایید"، به صورتی که دل ما همیشه در فکر و اندیشه خدا باشد و مجال به دشمن ندهد تا خشم/کدورتی را در آن ایجاد کند. بخاطر این باید حاکمیت خدا را بر زندگی خود همیشه بیاد داشته باشید و روزگار را با او بگذرانید. ابتدا باید از قصد و دائماً بیاد خود آورید که خدا حاکم بر زندگی شما است و تنها برای او زندگی می کنید. اگر به کوشش در این راه ادامه دهید (حد اقل یک ماه)، خواهید دید که همیشه از وجود خدا در زندگی خود آگاه خواهید بود و دشمن کاری با شما نخواهد داشت.

### کولسیان ۳

۸: اما اکنون باید همه اینها را از خود دور کنید، یعنی خشم، عصبانیت، بدخواهی، ناسزاگویی و سخنان زشت را از دهان خود.

پولس در این آیه جمعی از صفات شیطان که ممکن است کماکان در ما ایمانداران سر بلند نماید را نام برده، و دلیل آن جلب توجه ما به هر یک از آنها است. در خصوص هر یک از آن ها فکر کنید و آنانی را که به تازگی در خود مشاهده کرده اید را بر روی کاغذ بنویسید. این باعث می شود نسبت به موجودیت آن هوشیار بوده و از خدا بخواهید کمک کند تا از آن رهائی یابید. همچنین شخص مسئول و قابل اطمینانی (مانند کشیش، همسر، دوست نزدیک) را انتخاب کنید تا هر هفته جویای پیشرفت شما باشد و به او جواب گو باشید. او را باید تشویق کنید که بقدر شما به این موضوع اهمیت بدهد.

۱۳: نسبت به یکدیگر بردبار باشید و چنانچه کسی نسبت به دیگری خشمی دارد، او را ببخشاید. چنانکه خداوند شما را بخشود، شما نیز یکدیگر را ببخشایید.

در این آیه و در افسسیان ۴: ۳۲، اهمیتی که بخشش مسیحی در زندگی ایماندار دارد بیان شده است. منظور این است که در شباهت با عیسی مسیح، متحمل خشم/کدورت و تنفیری که از گناه سرچشمه می گیرد باشیم، تا بتوانیم زمینه را برای انجام کار روح القدس فراهم سازیم. این مشروط بر آن است که تسلط بر احساساتمان داشته باشیم و خشم/کدورت را در خود راه ندهیم. از مسیح بیاموزیم چگونه با شرارت مقابله کرد (کتاب ترجمه شده "چگونه با شرارت مقابله کنیم" را بخوانید)، و پیروزی عیسی را از آن خود نیز بنمائیم. در این راه باید از همه گونه خود خواهی دست بشوئیم تا با فروتنی بتوانیم سد خشم/کدورت و بی تفاوتی را شکسته و زمینه را برای انجام کار روح القدس فراهم سازیم. در خصوص بخشش مسیحی نکاتی را در افسسیان ۴: ۳۲ مطرح کرده ام و اینجا تکرار نخواهم کرد.

### کولسیان ۴

۶: سخنان شما همیشه پر از فیض و سنجیده باشد، تا بدانید هر کس را چگونه پاسخ دهید.

پولس در آیه ۶ صحبت از اهمیت سخن ایماندار می کند. ایمانداران با زبانشان بیشترین سدمات را به خود و مسیح میزنند و بهترین نیت هایشان به شکست تبدیل می شود. به این دلیل آیات بسیاری در رابطه با زبان عنوان شده است. انجیل خداوند، پیامی است که باید به زبان آورده شود و معنی آن در موارد مختلف روشن گردد. نه تنها باید رابطه کلام را با مسائل و مشکلات زندگی دانست، بلکه طریق اجرای آن را نیز نشان داد. در محیط کار، خانه، با فرزندان، برادران و خواهران کلیسا، و با همه سخن ما باید نمک و نور خدا باشد. اگر بخواهید کلام شما "همیشه"

پر از فیض باشد، این سه خصوصیات را باید داشته باشد: مربوط به وضع موجود باشد، استدلال قابل فهم را داشته باشد، و راه عملی آن را نشان دهد. دو مورد اول را اگر چند بار تکرار کنیم، عادت خواهد شد. عادت به گفتن سخن نیکو لازم به تمرین دارد. در خصوص موضوع های مختلف زندگی و آنچه کلام خدا در مورد آن می گوید با برادران و خواهران کلیسا تمرین کنید. از این طریق است که کار آزموده خواهید شد " تا بدانید هر کس را چگونه پاسخ دهید". ایماندار نه تنها لازم است با کلام آشنا گردد بلکه طریق اجرای آن نیز یاد بگیرد.

### یعقوب ۱

۱۹: برادران عزیز من، توجه کنید: هرکس باید در شنیدن تند باشد، در گفتن کند و در خشم آهسته!

۲۰: زیرا خشم آدمی پارسایی مطلوب خدا را به بار نمی آورد.

۲۱: پس هرگونه پلیدی و هر فزونی بدخواهی را از خود دور کنید و با حلم، کلامی را که در شما نشانده شده و می تواند جانهای شما را نجات بخشد، بپذیرید.

در این آیات (۱۹ تا ۲۱) یعقوب راجع به مسئله عمده کلیسا صحبت می کند. خشم احساسی است برای نابود ساختن. احساسات انسان نعمتی هستند که خدا عطا کرده، ولی گناه است که آنها را در راه ناسالم مورد استفاده قرار داده. برای ما ایمانداران، خشم نسبت به گناهی است که خود مرتکب آن شده ایم و قدرتی است که ما را رو به توبه و دست رسی به راه حل خدا می کشاند. خشم/کدورتی که نسبت به سخن یا رفتار ایماندار دیگر ایجاد می شود، ما را بر کرسی عدالت خدا نشانده و خواست شیطان را بجا می آورد. اگر خدا است که فرزندان خود را از طریق کلام و روح القدس به جانب خود هدایت می کند، پس ما چکار داریم از نتیجه کار او خشمگین شویم. به همین خاطر است که خدا نمی خواهد از اعمال و حرفهای بد یکدیگر خشمگین شویم. همانطور که او از طریق فیض با ما عمل می کند، می خواهد ما نیز از طریق فیض با هم رفتار کنیم. خدا می خواهد بیشتر به یکدیگر گوش دهیم و کمتر حرف بزنیم (۱۹). منظور برداشت وضع روحی یکدیگر است. محبت ما از گوش دادن، وقت دادن، و دادن هر چیز دیگری که نیازی را برآورده می کند سرچشمه می گیرد. البته نباید گناه را نادیده گرفت. باید اجازه داد شخص دیگر تمام حرف های خود را بزند تا بتوانیم برآورد صحیحی از اوضاع بنمائیم. "در شنیدن تند" بون یعنی سعی خود را بکنیم تا همه اطلاعات لازم را بدست آوریم (بشنویم). ولی در صورت لازم تذکر به آنچه کلام در آن مورد می گوید نیز بدهیم. اینجا است که باید "در گفتن کند" بود. روح القدس است که کار را انجام می دهد و تنها نیاز به "باز/تفسیر" (لوقا ۲۴: ۳۲) شدن کلام دارد. همچنین خدا می خواهد از طریق فیض، فرست لازم برای آموختن و اجرای کلام (و اشتباه کردن) نیز به او داده شود. ولی اگر دیده شود که ایمانداری از قصد کوتاهی می کند، آنوقت است که باید "در خشم آهسته" بود. کلام می گوید، "خشم آدمی پارسایی مطلوب خدا را به بار نمی آورد" (۲۰). پارسایی مطلوب خدا از طریق "باز/تفسیر" (لوقا ۲۴: ۳۲) کردن کلام است، همراه با یاری لازم در اجرای آن، و فرست لازم برای آموختن و اشتباه کردن. توجه داشته باشید که منظور تنها دوری از خشم/کدورت نیست، بلکه شرط لازم برای "کلامی را که در شما نشانده شده . . . بپذیرید". روح القدس نمیتواند با گناه همزیستی کند. یا جای برای او است و یا برای گناه. به همین دلیل یعقوب می گوید "پس هرگونه پلیدی و هر فزونی بدخواهی را از خود دور کنید" (یعنی خشم گناه آلود). آنوقت خشمی که در راه خداست خواهد توانست در شما شکوفا شده و کار پر اهمیت خود را انجام رساند {توبه = تغییر افکار (آشنائی با کلام خدا) و تغییر رفتار (اجرای کلام خدا)}.

### یعقوب ۳

۸: اما هیچ انسانی قادر به رام کردن زبان نیست. زبان شرارتی است سرکش و پر از زهر کشنده!

۹: با زبان خود خداوند و پدر را متبارک می خوانیم و با همان زبان انسانهایی را که به شباقت خدا آفریده شده اند، لعن می کنیم.

۱۰: از یک دهان، هم ستایش بیرون می آید، هم نفرین! ای برادران من، شایسته نیست چنین باشد.

۱۷: اما آن حکمت که از بالاست، نخست پاک است، سپس صلح آمیز و ملایم و نصیحت پذیر، و سرشار از رحمت و ثمرات نیکو، و بری از تبعیض و ریا!

منظور یعقوب سرزنش نیست. او تنها مسئله را عنوان نمی کند بلکه راه حل آن را نیز نشان می دهد. راه حل را در آیه ۱۷ می خوانیم. آنچه یعقوب میخواهد برای ایمانداران به مسیح افشا نماید آن دودلی است که امکان دارد در کسی وجود داشته باشد (۸ تا ۱۰). اشکالی است که کم و بیش همه با آن آشنا هستیم. خشم، بد گوئی، محکوم کردن و غیره، همه را به شکلی تجربه کرده ایم. منظور محکوم شدن ما نیست. مسیح نیامد تا کسی را محکوم کند، بلکه رها سازد. منظور آشنائی با فسادی است که هنوز بر درون در کار است و وجود خود را نشان داده. منظور این است که هر گاه فسادی را در خود دیدیم، آن را نادیده نگیریم و به آن اهمیت بدهیم. خدا اجازه داد تا ایوب در آزمایش خود قرار گیرد تا کامل شود، و ما را نیز همچون او، از طریق آزمایش های ویژه خود می خواهد کامل سازد. اما برای انجام کار خود به موافقت ما نیاز دارد. پس دیگر اجازه بخود ندهید برداشت بدی را از چیزی بدست آورید. برداشت بد تبدیل به عکس العمل بد نیز خواهد شد. اگر قبول کنید که خدا در کار است و همه چیز در دست پرتوان او است، دیگر جای ناراحتی و بد گمانی وجود نخواهد داشت. آنوقت روح القدس خواهد توانست از شما استفاده کند و شما را "سرشار از رحمت و ثمرات نیکو" نماید (۱۷). ثمرات نیکو پس از اجرای کلام بدست می آید. خدا از طریق کلامش همه ایمانداران را پاکسازی می کند. پس اگر خدا در زندگی ایماندار در کار است ما چه کار داریم رفتار ایمانداری را عیب دانسته و او را نفرین کنیم؟ محبت مسیح نادیده گرفتن گناه نیست، بلکه در ملائمت و بردباری نشان دادن راه صحیح کلام خدا است. چنین خصوصیتی را عیسی مسیح در راه جلجتا نشان داد. رحمتی است که در فیض خدا جای گرفته و میوه می آورد. ایمانداران را بیاموزید که همه در حال رشد روحانی خود هستند. اگر اشکالی را می بینند، با محبت و ملائمت او را راهنمایی کنند.

### یعقوب ۵

۱۶: پس نزد یکدیگر به گناهان خود اعتراف کنید و برای یکدیگر دعا کنید تا شفا یابید. دعای مرد پارسا، قدرت دارد و بسیار اثربخش است.

در آیه ۱۶، حکم خدا راجع به موضوع مهم و مشکلی را می خوانیم، "نزد یکدیگر به گناهان خود اعتراف کنید". منظور از اعتراف به زبان آوردن گناه است، ولی باید در حضور شخصی باشد که رشد مسیحی داشته (مرد پارسا) و رفتار او مطابق با کلام خدا است (کشیش و شیخ کلیسا چنین افرادی هستند). کار خدا با اعتراف شروع می شود. اگر کسی قانع نشده که گناهی را انجام داده، نمی توان انتظار عمل روح القدس را داشت. اعتراف جزئی از توبه می باشد، و راهی است که خدا نشان داده. سد راه اعتراف به گناه را ترس از افشای خلاف انجام شده و استفاده نا مشروع از ضعفی است که بر ملا شده. ولی هر دو زیر بنای خود خواهی را دارند. ترس از خدا نیست بلکه از شیطان است. او می ترسد شیطان از آن استفاده کند. ولی وقتی خدا دستور می دهد که نزد یکدیگر به گناهان خود اعتراف کنیم، فکر می کنید عاقبت کار را در نظر نگرفته؟ ایمانی را می خواهد که عملی است و دنباله دار است و کلمه را در جسم می پوشاند. پاکسازی با اعتراف به گناه شروع می شود. بند شیطان (هر چه باعث ترس شده) پاره شده و زمینه کار را برای روح القدس فراهم می سازد. کسی که در مسیح رشد کرده و رفتارش مطابق با کلام خدا است، پس از گوش دادن به اعتراف، تشویق به دعا برای بخشش خدا و یاری روح القدس می کند تا کلام خدا جایگزین راه گناه گردد. دعای مرد پارسا باعث می شود کلام خدا شروع به کار کند و شفای روحانی (حکمت خدا) جای کسالت روحانی را بگیرد.

### اول تسالونیکیان ۵

۱۱: پس یکدیگر را تشویق و تقویت کنید، چنانکه اکنون نیز می کنید.

پولس در این آیه اهمیت تشویق و تقویت از یکدیگر را می کند تا با هر نوع رکودی در رشد روحانی اعضاء کلیسا مبارزه گردد. خادمین کلیسا توجه دارند که دشمن از هر موقعیتی که بدست آورد استفاده خواهد کرد تا آنچه خدا در هر یک از اعضاء کلیسا ایجاد کرده را نابود سازد. بهترین راه مبارزه با این مسئله، ایجاد خدمت تشویق و تقویت

کلیسا است ("چنانکه اکنون نیز می‌کنید"). اعضای که با اصول پاکسازی مسیحی در کلیسا آشنائی دارند می‌توانند چنین خدمتی را بعهده گیرند.

## دوم تیموتاوس ۲

۲۴: حال آنکه خادم خداوند نباید نزاع کند، بلکه باید با همه مهربان باشد و قادر به تعلیم و بردبار.

عیسی مسیح در زمان حیات خود موقعیت های فراوانی را داشت که وارد نزاع شود ولی نشد. خادم او نیز باید از او بیاموزد. باید نسبت به کسانی که جنگ و ستیز و نزاع را میان میاورند (آنانی که عیسی بخشید چون نمیدانستند چکار میکنند) آرامش و دوستی را حفظ کند ولی بدون صحیح شمردن رفتارشان. موضع عادل خود را باید با آرامش و محبت نگاه دارد. اصل موضوع تعلیم است که تنها با بردباری در برابر شرارت امکان پذیر است. باید تحمل کسانی که با پذیرفتن حقیقت مشکل دارند و با آن تقلی میکنند را داشت. باید بتوان اشکالت موجود و چاره کتاب مقدس را با مهربانی و تحمل، در برابر آنکه مسئله دارد گذاشت تا روح القدس مجال کار خود را بدست آورد و چشم دلش باز شده و خود حقیقت را دیده و توبه کند. توبه نه تنها تغییر فکر است (کلام خدا) بلکه تغییر راه است (اجرای کلام خدا). بعضی افراد با سختی و زمان طولانی به اجرای کلام دست رسی می‌یابند. شاید در میان راه اشتباهات زیادی را بکنند. طبیعت تازه را بر تن کردن برای همه کار ساده ای نیست. مانند دوچرخه سواری و اتوموبیل رانی، مشکلات زیادی بر سر راه هست. ولی آیا بخاطر این مشکلات دست از کوشش بر میدارند؟ خادم خدا باید ارزش کلام را بداند و طریق اجرای آن را بتواند بیاموزد. این محبت مسیحی است که همه ایمانداران به جانب آن فرا خوانده شده ایم. باید طریق انجام چنین خدمتی را آموخت تا بتوان "قادر به تعلیم و بردبار" بود.

## تیتوس ۳

۱: ایشان را یادآور شو که تسلیم حکمرانان و صاحب منصبان باشند و فرمانبرداری کنند، و برای هر کار نیک آماده باشند؛

۲: کسی را ناسزا نگویند و ستیزه‌جو نباشند، بلکه باملاحظه باشند و نزد همه برآستی فروتن.

معلمین خوب همیشه "یادآور" میشوند (۱). پطرس می‌گوید: "پس این امور را همواره به شما یادآوری خواهم کرد، هر چند آنها را می‌دانید و در آن حقیقت که یافته‌اید، استوارید" (دوم پطرس ۱: ۱۲). مغز و گوش انسان با کلام خدا آشنائی ندارد و در نتیجه نیاز به تکرار شنیدن به آن دارد تا آن را جذب نماید. از طرف دیگر امکان دارد برداشت ما از حقیقت در یک موقعیت با موقعیت دیگر فرق کند. به همین دلیل انسان لازم دارد هر حقیقتی را در روزهای مختلف و موقعیت های مختلف بشنود تا رابطه کلی آن را در زندگی خود بدست آورد. کلام خدا چهار دامنه مختلف "اختیارات/سرسپردگی" را نام برده است: کلیسا، ازدواج، کار، و دولت. خدا تسلیم و اطاعت از آنانی که صاحب اختیارند را لازم کرده، البته محدود به وسعتی که برای هر یک مقرر نموده. ایمانداران از گناه اطاعت نخواهند کرد و تسلیم آن نخواهند شد. البته با وجود آنکه پایبند قوانین کلیسا میباشند، باید قوانین دولت را نیز حفظ کنند. اما در مواردی که کلیسا آن را گناه شناخته الزام به اطاعت ندارند. در تاریخ مسیحی ایمانداران بسیاری بخاطر رد کردن گناه، حیات خود را از دست داده اند. ولی در عهد جدید خواست خدا این نیست. در عهد جدید از ایمانداران خواسته شده از هر فرستی که "پیش می‌آید" استفاده کنند تا کلام راستی را بیان کرده و توانائی "تعلیم و بردباری" را بدست آورند.

ستیزه جوئی و ناسزا گوئی (۲) از خصوصیات فرزند خدا نیست بلکه خصوصیات دشمن خدا است. منظور این نیست که تنها از ستیزه جوئی و ناسزا گوئی دست برداریم، بلکه بیاموزیم "باملاحظه" و "نزد همه برآستی فروتن" نیز باشیم. باید بیاموزیم چگونه روح ستیزه جوئی، نزاع، تفرقه، ناسزا گوئی، و غیره را شکست بدهیم. تنها راه موفق استفاده از کلام خدا است. فروتن بودن آن نیست که از گفتن حقیقت دست برداریم، بلکه از طریق ابراز گناه آلود آن دست برداریم. فروتن بودن تعظیم کردن به گناه نیست بلکه نشان دادن آن که میتوان در مقابل وسوسه گناه (ستیزه جوئی، نزاع، تفرقه، ناسزا گوئی، و غیره) ایستادگی کرد و حقیقت را با محبت ابراز نمود. اگر دنیا ببیند که

می توانید در مقابل شرارت ایستادگی کرده و کلام حقیقت را با آرامش و قدرت روح القدس بیان کنید، آنوقت است که "نزد همه برآستی فروتن" بودن را آموخته اید.

### اول پطرس ۲

۲۳: چون دشنامش دادند، دشنام پس نداد؛ و آنگاه که رنج کشید، تهدید نکرد، بلکه خود را به دست داور عادل سپرد.

رنجی که از بی عدالتی برخاسته را تنها با تصدیق و اعتراف به حضور خدا می توان تحمل کرد. خدا برای تمام لحظات عمر ایماندار نقشه و برنامه دارد و هیچ اتفاقی بدون منظور و مقصود او ایجاد نمی شود. خدا می گوید هیچ آزمایشی بر شما نیامده که بر ایمانداران دیگر نیامده که با یاری روح القدس آن را با موفقیت نگراننده باشند، و خدا امین است و نخواهد گذاشت آزمایشی بیش از توان شما برایتان ایجاد گردد (اول قرننتیان ۱۰: ۱۳). همه رویداد های روز برای ساختن شباحت مسیح در شما است. هیچ رویدادی را بد و منفی برداشت نکنید، بلکه در همه لحظات زندگی خود (چه خوب و چه بد) حضور خدا را تصدیق کرده و به آن اعتراف کنید. با این برداشت، روح القدس قدرت عظیم خود را بکار خواهد گرفت و همه چیز را برای خیریت شما بکار خواهد آورد (رومیان ۸: ۲۸).

### اول پطرس ۳

۹: بدی را با بدی و دشنام را با دشنام پاسخ مگویید، بلکه در مقابل، برکت بطلبید، زیرا برای همین فراخوانده شده اید تا وارث برکت شوید.

آیه ۹ مانند رومیان ۱۲: ۱۷ و اول تسالونیکیان ۵: ۱۵ راجع به یک موضوع صحبت می کنند. انتقام در فرهنگ مسیحی جای ندارد. داور و قاضی عادل ما خداوند است که همه چیز را در دست خود دارد. هر گاه با بدی کسی روبرو می شوید، بدانید که او احتیاج به خدا دارد و خدا او را نزد شما آورده تا به او برکت بدهید. خدا ما را به همین خاطر نور و نمک این دنیا خطاب نمود. از کسی که به شما بدی می کند دوری نکنید و مغلوب شیطان نگردید. خدا ابزار بسیار نیرومندی را در دست شما گذارده و می خواهد در چنین فرصتی از آن استفاده کنید. کلام خدا در دعا، همراه با روح القدس ابزار جنگی شما می باشند، و اگر با طریق کارشان آشنا نیستید، از کشیش و شیخ کلیسای خود بخواهید ترتیب آموزش عملی آن را بشما بدهند. وظیفه آن ها همین است. شما خوانده شده اید تا "وارث برکت شوید"، اما اگر پای در صحنه عمل نگذارید، چگونه برکت را خواهد یافت؟

۱۰: زیرا، «هرکه دوستدار حیات است و طالب دیدن روزهای خوش، باید که زبان از بدی باز دارد و دهان از فریب فرو بندد.

۱۱: باید از بدی روی بتابد و نیکویی پیشه کند؛ و در پی صلح باشد و آرام بجوید.

حیات در کلام خدا است و زبان ایماندار کلام را مطابق با موقعیت موجود باز می کند و روح القدس میوه آن را بار می آورد. آیه ۱۰ اهمیت زبان آوردن کلام را نشان می دهد. البته گوش شنوا را لازم است تا میوه نیکو ایجاد گردد، ولی گوینده تنها مسئول بزبان آوردن کلام است. دنیا پر از بدی و فریب کاری شده و لازم است ایمانداران زبان نیکوی خود را بکار برند. زبان نیک (کلام خدا)، وقتی بر اقتضای شرایط موجود و قابل درک همه به زبان آورده شود، مانند تخمی نیکویی است که کاشته می شود و به وقت خود میوه نیکو می آورد. انسان در دنیا آموخته سرمایه گذاری کند، و حال زمان آن رسیده که سرمایه گذاری نیکو کند. هر چه بیشتر بکارید میوه بیشتری را ایجاد خواهید کرد.

۱۲: زانرو که چشمان خداوند بر پارسایان است و گوش وی به سوی دعای ایشان، اما روی خداوند به ضد بدکاران است. «

ایمانداران صاحب "روزهای خوش" و "حیات" (جسم و روح) می باشند (۱۲). خدا هر چه ایماندار می گوید و می کند را می شنود و می بیند. همه چیز در دست خدا است و در نقشه مقدس اوست. ما مسئول گفتار و رفتار خود هستیم (خصوصاً در مقابل روح شریر)، و نباید بگذاریم دشمن بر ما نفوذی داشته باشد. زبان نیک و رفتار آرام از خصوصیات خداوند است. شیطان نمی خواهد اینگونه باشیم و سعی می کند احساسات ما را جلب خود کرده رفتاری همچون او بکنیم. ما مسئول تغییر دادن افکار و رفتار دیگران نیستیم. روح القدس این کار را می کند. ولی خدا از رفتار و گفتار عادل ما استفاده می کند تا دل شریران را لمس کرده و آنان را به توبه آورد. چشم و گوش خدا بر ایمانداران است و عکس العملی که در برابر شرارت نشان می دهند. خدا به دعای ایماندار گوش می دهد. همیشه قبل از صحبت با بی ایمان با خدا صحبت کنید (دعا). راجع به همه چیز با او صحبت کنید و سپس آنچه آموخته اید را در اختیار بی ایمان بگذارید. بقیه کار مربوط به شما نیست و کار روح القدس می باشد.

#### اول پطرس ۴

۸: مهمتر از همه، یکدیگر را به شدت محبت کنید، زیرا محبت، انبوه گناهان را می پوشاند.

زندگی مسیحی در محبت مسیح خلاصه می شود. خصوصاً زمانی که مسائل و مشکلات زیادی گریبانگیر برادر و یا خواهری شده و "به شدت محبت" احتیاج دارد. ممکن است مرتکب خلافی نسبت به شما شده و حال خدا لازم دانسته او را با راه خدا آشنا کنید. خدا "محبت" است و "انبوه گناهان را می پوشاند". محبتی که در این آیه از آن نام برده شده نشانه آنچه خدا راجع به گناه گفته (کلام خدا) که لازم است جایگزین گناه شده و آن را "پوشاند". منظور این است که بتوانید آنچه باعث گناه شخصی شده را مطابق به کلام بیابید، و راه حل آن را به او نشان دهید. وقتی مرتکب خلافی نسبت به شما شده، نباید اجازه دهید خشم/کدورت وارد شما گردد. خشم/کدورت زمانی در شما ایجاد می گردد که به قرور شما لطمه وارد شده و یا انتظار چیزی را نداشته اید. در هر دو حالت، حاکمیت خدا بر همه چیز را نا دیده گرفته اید و خود را صاحب امور کرده اید. اما اگر خدا است که در زندگی فرزندان شما کار می کند، پس شما چکار دارید در کار خدا دخالت کرده و از نتیجه کارش ناراحت شده اید؟ خدا صاحب زندگی او و شما و دیگر فرزندان شما می باشد، و همه را در وقت، طریق، و راه خود هدایت می کند و به همه وعده عمر جاودان را داده. پس آنچه مربوط به شما می شود، جویای مسئله (گناه) شدن است، و باز کردن کلامی که خدا در مورد آن افشا نموده، و کمک کردن در اجرای آن. عیسی مسیح جان شما را داد تا ما ایمانداران در کمال آزادی با حمایت روح القدس گناه را از خود و برادران و خواهران خود بیرون کنیم.